

عنوان مقاله:

الگوی رابطه بین دولت و سازمان‌های غیردولتی در سیاست‌گذاری اجتماعی ایران

محل انتشار:

دوفصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره 6، شماره 13 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسنده:

کرم حبیبپور گتایی - گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

خلاصه مقاله:

واقع امر این است که موفق‌ترین سیاست‌های اجتماعی آنهایی‌اند که با مدل «ترکیب رفاهی» و شراکت عاملیت‌های چندگانه دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی، خانواده و نهادهای بین‌المللی تدوین و اجرا می‌شوند. بنا به ضرورت حضور سازمان‌های غیردولتی (NGOs) در سیاست‌گذاری اجتماعی، مقاله حاضر که مبتنی بر کاربست روش تحلیل محتوای کیفی و تکنیک مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با راهبرد نمونه‌گیری گلوله‌برفی در بین 21 سازمان غیردولتی موفق در شهر تهران در عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری اجتماعی می‌باشد، روایتی است بر جایگاه این سازمان‌ها در سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران. نتایج نشان داد که واقعیت عاملیت سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران، ماهیت دولتی دارد و موقعیت سازمان‌های غیردولتی در این سیاست‌گذاری، موقعیتی تزئینی، ابزاری، نمایشی، سایه‌وار و سیاسی است، در بسیاری از موارد نقش آنها به مجریان صرف قوانین دولت و مؤسسات خدماتی تقلیل یافته و فاقد جایگاه مشخصی در سیاست‌گذاری اجتماعی‌اند. حتی در جاهایی که برخی از آنها در سیاست‌گذاری اجتماعی نقش دارند، نه تنها نقش آنها محدود به مرحله خاصی از چرخه سیاست‌گذاری اجتماعی (عمدتاً مرحله اجرا) است، بلکه غالب آنها دچار دگردیسی هویتی شده و سازمان‌هایی وابسته به دولت‌اند (سازمان‌های شبه‌غیردولتی/غیردولتی دولتی). نتایج تحقیق دلالت بر امتناع نقش سازمان‌های غیردولتی در سیاست‌گذاری اجتماعی و به تعبیری امتناع اجتماع محوری در سیاست‌گذاری اجتماعی ایران دارد.

کلمات کلیدی:

سیاست‌گذاری اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی، عاملیت، دولت‌زدگی، اجتماع محوری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1153833>

